

## کریم خان زند

تصویری مستند و جامع از وکیل الرعایا

ناهد بهزادی

دورهٔ زندیه، بویژه فرمانروایی سی ساله کریم خان، علیرغم عمر کوتاه آن از دوره‌های مهم تاریخی ایران بشمار می‌آید، که طی آن ناامنی و کشمکشهای خونین خاتمه یافت و دوره‌ای از نظم و ثبات سیاسی، توأم با آسایش نسبی مردم برقرار شد. در یک بازنگری تطبیقی ساختار سیاسی این حکومت از یک سو و اوضاع جهانی از سوی دیگر، این دوره را از سایر دوره‌ها متمایز نموده، ویژگی‌هایی چند به این سلسله بخشیده است: اول، عدم پیوستگی ساخت سیاسی این حکومت مانع از ایجاد حکومت مرکزی مطلق العنان و مستبد، آنچنانکه در دوره‌های قبل و بعد از آن وجود داشت، شده بود. دوم، طوایف فارسی زبان زاگرس مرکزی و جنوبی دوباره قدرت گرفتند و طوایف ترک تبار را که بیش از چند صد سال بر ایران فرمانروایی می‌کردند، به سوئی راندند. سوم، سلسله زندیه بین دو حکومت صفویه و قاجاریه قرار داشت و در سنجشی تطبیقی می‌توان ادعا نمود که این دوره مانند دوره‌ای انتقالی حامل برخی ویژگی‌های دوره متقدم و خصوصیات آن روزگار متأخر خود بود و چهارم، این دوره مصادف با شروع فعالیتهای توسعه طلبانه روس و بریتانیا برای کسب حوزه‌های منافع بازرگانی و اقتصادی بود.<sup>۱</sup>

با وجود این مشخصه‌ها، شاید کمبود منابع دست اول و عمر کوتاه این سلسله که موجودیت آن منحصرأ در گرو سیاستهای مؤثر کریم خان بود و با مرگ او گرفتار منازعات خانمان بر انداز مدعیان جانشینی شد، عوامل کم توجهی مورخان ما را به این دوره فراهم آورده باشد، چه تألیفات اندک در این خصوص گواه روشنی بر این مدعاست. تألیفات منتشر شده به زبان فارسی، درباره زندیه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول تألیفاتی که بطور عمدتاً به تاریخ سیاسی پرداخته‌اند، مانند «تاریخ زندیه» اثر هادی هدایتی، «کریم خان زند» از عبدالحسین نوائی<sup>۲</sup>، «کریم خان زند و زمان او» از پرویز رحیمی و تک نگاریهایی چون «کریم خان زند و خلیج فارس» اثر احمد فرامرزی.

دسته دوم کتبی که مؤلفان آنها وقایع رخدادهای این دوره را، درون مایه‌ای برای داستان پردازی قرار داده‌اند. مانند «عقاب کمازان» تألیف سید محمد علی کشاورز صدر، قلعه پری، از کریم خان تا لطفعلی خان اثر بهرام آفراسیابی و «آوردگاه آفتاب» از محمد علی علموی. بدون اغراق می‌توان گفت که ارزنده‌ترین و جامع‌ترین تألیف در تاریخ زندیه که به فارسی ترجمه شده است، کتاب «کریم خان زند» اثر جان پری می‌باشد. این کتاب بر اساس رساله دکتری ایشان تهیه شده و در حدود هشت سال بعد از چاپ، در ایران ترجمه و منتشر شده

است.

کتاب مذکور به بررسی اوضاع ایران در فاصله سالهای ۹۳-۱۱۶۰ ه. ق. ۱۷۹۱-۱۷۴۷ م. پرداخته و روند شکل گیری، استقرار و استحکام زندیه را مورد بررسی قرار داده است. به اعتقاد مؤلف «دوره پنجاه ساله میان مرگ نادر و پایه گذاری سلطنت قاجار از جمله مهمترین و تاریکترین ادوار تاریخ جدید ایران می‌باشد»<sup>۳</sup> و مشارالیه با نگارش این کتاب سعی در روشن نمودن برخی از زوایای مبهم و تاریک این دوره نموده است.

چند ویژگی این اثر را در بین سایر تألیفات منتشر شده درباره تاریخ زندیه ممتاز ساخته است:

۱- انسجام و سازمان یافتگی مطالب. مؤلف در طرحی منسجم تاریخ کریم خان را از چگونگی به قدرت رسیدن او در جدال با رقبای نیرومندی چون علی مردان خان بختیاری، آزاد خان افغان و محمد حسن خان قاجار تا سیاستهای وکیل در تحکیم و توسعه میانی حکومت زندیه بررسی می‌کند و در نهایت تصویری جامع از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در این روزگار ارائه می‌نماید. مؤلف در تحلیلهای خود تلفیق کارآمدی از تاریخ و جغرافیای بکار می‌گیرد. او در آغاز هر بخش،



موقعیت جغرافیایی مناطق را تشریح می‌کند و بدینگونه سیمای روشنی از اهمیت هر منطقه در درگیری گروههای رقیب و در توازن آنها بدست می‌دهد.

۲- مؤلف صحیح ترین تاریخ و دقیق ترین گزارش از نحوه وقوع یک واقعه را ذکر نموده، در هر مورد که منابع اختلاف نظر داشته‌اند به درج اقوال گوناگون در باورقی پرداخته است. دقت نظر مؤلف اشتباهات کتاب را به چند مورد جزئی محدود کرده است که این موارد نیز بدقت توسط مترجم تصحیح و در پی نویسه‌ها توضیح داده شده است.<sup>۴</sup>

۳- مؤلف با شناختی دقیق از ارزش، اهمیت و جایگاه هر یک از منابع در توضیح این دوره با روشن بینی و دقت بسیار به انتخاب منابع پرداخته است. پری با اعتقاد به تداوم ساختار حکومتی و اداری صفویه در این دوره و با

این باور که هیچیک از اخلاف صفویه بجز نادرشاه در مذهب و کریم خان در عنوان رسمی، از آنچه توسط اسلاف صفوی شان مستقر شده بود، جدا نشدند، در بررسی بسنیانه‌های اداری و تشکیلاتی این دوره با بهره‌گیری از «تذکره الملوک» ساختمان حکومتی زندیه را بازسازی و بررسی می‌کند. استفاده از تاریخهای محلی معتبر مانند «تذکره شوشتر»، «تاریخ کرمان» و زبیری و «تاریخ کردستان» زکی امین در تشریح وضعیت ایالات، استناد به مجمل التواریخ در وقایعی که گلسرستانه خود شاهد آن بوده و استناد به گلشن مراد، تاریخ گیتی گشا و مجمل التواریخ در یک بررسی تطبیقی نشان از معرفت عمیق مؤلف از منابع این دوره دارد.

کتاب «کریم خان زند» مشتمل بر سه فصل، دو قسمت پیش گفتار و خاتمه، ملحقات شامل بررسی منابع، فهرست اسامی جغرافیایی، اشخاص و اقوام و چند نقشه (که بعضی از آنها از جمله نقشه جامع و ارزشمند قلمرو زندیه در ترجمه فارسی حذف شده است)، می‌باشد. فصل اول تحت عنوان «تلاش برای کسب قدرت در ایران باختری» به تشریح وقایع سالهای ۷۷-۱۱۶۰ ه. ق. ۱۷۴۷-۱۷۴۳ م. پرداخته است. در این فصل منازعات مدعیان گوناگون جانشینی که بطور عمده رؤسای ایلات و یا متکی به نیروهای ایلداری بودند و پس از مرگ نادر در ۱۱۶۰ ه. ق. ۱۷۴۷ م. با استفاده از عدم وجود قدرت مرکزی، منطقه‌ای را متصرف شده، وارد معرکه شده بودند، بررسی شده است. اصولاً این دوره از تاریخ ایران را می‌توان دوره منازعات ایلات و طوایف نامید. با قتل نادر طوایف زیادی که مشارالیه در راستای سرکوب نیروهای معارض و تقویت قدرت حکومت مرکزی به خراسان کوچانده بود به مسکن اصلی خود بازگشتند و بسرعت با سازماندهی نیروی نظامی و جنگجوی خود نقش کلیدی در مناقشه‌ها یافتند. مؤلف با بینشی اصولی و واقع‌گرا در مورد اهمیت ایلاتی چون بختیاری، افشار، افغان و لک که مدعیان اصلی قدرت بودند، نقش ایلات حاشیه‌ای چون دنبلی، شاهسون، جوانشیر، قراگوزلو و ایلات جنوب زاگرس را در اتحاد یا انفصال از هر یک رقبا و در نتیجه بر هم زدن توازن بین آنها با نگاهی موشکافانه ارزیابی می‌نماید. شرایط اتحاد و ائتلاف طایفه‌ای، نقش عواملی چون قدرت، جنگندگی و شجاعت رهبری طوایف بطور اخص و استعداد نظامی آنها بطور اعم در جلب سایر طوایف و در مجموع شرایطی که ایل کوچک لک توانست گوی سبقت را از ایلات قدرتمند دیگر در میدان مبارزه برآید، به تفضیل در چارچوبی تاریخی بررسی شده است. «تحکیم و توسعه» عنوان فصل دوم می‌باشد که به وقایع سالهای ۹۳-۱۱۷۷ ه. ق. ۱۷۹۹-۱۷۶۳ م. پرداخته است. این فصل که تقریباً طولانی‌ترین فصل کتاب می‌باشد سیاستهای وکیل را در تحکیم بنای حکومت زندیه تشریح و با بررسی وضعیت ایالاتی چون فارس، بختیاری، خوزستان، کهگیلویه، لار، یزد و کرمان ساختار حکومتی و اداری این سلسله را ارزیابی می‌کند. تصفیه‌های درونی، شورش زکی خان، نقش قبایل بختیاری و عرب در این شورش، استفاده از تعارضات درونی ایلاتی چون قاجار و بختیاری در کنترل آنها،

قضیه میرمهنا و خلیج فارس و محاصره و تصرف بصره از دیگر مباحث این فصل می‌باشند. در فصل سوم، زیر عنوان «ایران در دوران فرمانروائی کریم خان» اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور در دوران حاکمیت وکیل بررسی می‌شود: قلمرو، طوایف، مالیات و درآمدها، وضعیت ایالات، سیاست مذهبی، روابط و تجارت خارجی با کشورهای هلند، فرانسه و کمپانی هند شرقی از اهم موضوعات این فصل می‌باشند. پری در این فصل به تبیین تئوری حکومت مرکزی وکیل و تعریف چارچوب نظری و عملی آن می‌پردازد. او می‌نویسد: «در جابجائی کلمات دوله (وکیل الدوله) و «رعایا» (وکیل الرعایا) تفسیر اغراق آمیز اعلام رسمی خلع شاه سوم را نیز می‌توان در نظر گرفت»<sup>۶</sup>. کریم خان می‌بایستی از مشروعیت مذهبی خویش یعنی نظیر آنچه در حکومت صفویان وجود داشت صرفنظر کند و به گونه‌ای ظاهری شاه دست نشانده‌اش را حفظ کند تا خطر رسوائی غصب سلطنت را پذیرا نگردد<sup>۷</sup>. «معهد» وی خویش را واسطه‌ای میان توده مردم و سلطانی واقعاً سمبولیک نشان می‌داد<sup>۸</sup>. در عین حال مؤلف بدرستی تأکید می‌کند که «چنین نظریه‌ای در باب حکومت جز آنکه اشاره‌ای دائمی به گذشته باشد اثری دیگر نداشت»<sup>۹</sup>. اما مؤلف در تلاش برای تبیین تئوری حکومت مرکزی در این دوره پرسشی اساسی را نادیده گرفته است، اینکه آیا تغییر عنوان وکیل الدوله به وکیل الرعایا صرفاً موضعی بینابین و تلاشی نه چندان قاطع برای اعلام استقلال از شاه دست نشانده صفوی بود؟ آیا نمی‌توانست بازتابی از ماهیت قدرت سیاسی وکیل باشد؟ در تحلیل این مسئله به سر موضوع باید توجه داشت: ابتدا اینکه یکی از پایه‌های اصلی اقتدار صفویه که همانا ادعای آنها مبنی بر مشروعیت حکومت بود، در این دوره وجود نداشت و وکیل ریاست معنوی را به صفویه واگذار کرده بود. دوم اینکه در اندیشه سیاسی اسلام و در نهادهای رسمی حکومتی (اسلامی - ایرانی) ایالات و طوایف جایی نداشتند حال آنکه حکومت خان زند تا به آخر متکی به ایالات بود و ایالات از عناصر اصلی ساختمان سیاسی زندیه بشمار می‌آمدند. وکیل نه ادعای ظل‌اللهی داشت و نه مدعی مشروعیت بود، بنابراین تئوریهای سیاسی و از جمله تئوری سیاسی صفویه نه تنها فاقد ارزش عملی بودند که از نظر صوری و نظری نیز از اهمیت چندانی برخوردار نبودند. سوم اینکه نظام پادشاهی ایران در طول تاریخ همواره از یک سو دارای مرکزیت و از سوی دیگر تعدد قدرت بود که به شکل خودمختاری منطقه‌ای و فعالیت مستقل طوایف تجلی می‌نمود، بنابراین تقابل دایمی بین مرکز و نیروهای مستقل بویژه ایالات از ویژگیهای تاریخ ایران بود، اما فرمانروائی وکیل از معدود دوره‌های تاریخی ایران بود که این تصادمات بسیار کاهش یافت و تلفیقی مؤثر بین نظام مستقر و متمرکز سیاسی با ایالات بوجود آمد. او که به گفته هورن و آنچنانکه ذنبلی نیز آن را تأیید کرده است، یک ریش سفید طایفه و کدخدا بود تا پادشاه<sup>۱۰</sup>، هیچگاه قدرتی مطلق و افسار گسیخته که از ویژگیهای نظام پادشاهی ایران بود اعمال نکرد، در عین حال که در زمینه سیاستهای عملی نیز قدرتی بسیار فراتر از قدرت شخصی و غیرمتمرکز یک خان اعمال

می‌نمود. او فرمانروائی مناطق و ایالات را بدون در نظر گرفتن ضوابط اساسی به رهبران طوایف مورد اعتمادش واگذار می‌کرد ولی کنترل سیاست مرکزی را در اختیار خویش داشت. «بنابراین ماهیت و شکل حکومت وکیل را نمی‌توان در چارچوب شکل‌بندیهای رایج نظام سیاسی ارزیابی نمود، که تبیینی دقیق‌تر از ماهیت قدرت سیاسی وکیل که پیوند تنگاتنگی با وکیل الرعایا دارد، ضروری بنظر می‌رسد.

همانطور که گفته شد مؤلف در برخی موارد اشتباهاتی نموده که بطور عمده توسط مترجم تصحیح شده است، اما مواردی نیز از نگاه دقیق و باریک بین مؤلف و مترجم دور مانده است. یکی از موارد مسئله شورش زکی خان و نقش علی محمد خان زند در این شورش می‌باشد. مؤلف به اشتباه ادعای نامی را به گلستانه نسبت داده است. او می‌نویسد «گلستانه ادعا می‌کند که صدور فرمان کور کردن علی محمد خان از سوی وکیل جعلی بوده است ولی از نقطه نظر سیاست غالب کشور به روشنی امکان پذیر بوده است»<sup>۱۲</sup>. حال آنکه گلستانه در همان صفحه‌ای که آقای پری به آن استناد کرده، نوشته است: وکیل «رقمی بنزد زکی خان نوشت که علی محمد خان زند ولد محمد خان را که در بروجرد بنای خودسری و طغیان گذاشته بود گرفته هر دو چشم او را از حلیه بینائی عاری سازد و علی محمد خان ... همشیره زاده زکی خان بود»<sup>۱۳</sup>.

اما تاریخ گیتی گشا بر جعلی بودن این نامه و ساختگی بودن آن توسط بختیارها تأکید کرده است<sup>۱۴</sup> و مؤلف نیز از همین گزارش استفاده نموده، می‌نویسد بختیارها در غیاب زکی خان از اصفهان فرمانی از طرف وکیل به زکی خان نوشتند که طی آن به زکی خان دستور داده شده بود علی محمد خان حاکم بروجرد را دستگیر و

## ضرورت تدوین «کتابشناسی نقد کتابهای تاریخی»

مقدار نیز مورد استفاده لازم قرار نمی‌گیرد. نقدی نوشته می‌شود و اثری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ نشریه حاوی نقد، یا به بوته فراموشی سپرده می‌شود و یا در بخش نشریات کتابخانه‌ها خاک می‌خورد؛ کتاب مورد نقد نیز همچنان تجدید چاپ می‌گردد، بدون آن که نسل‌های بعد، از چند و چون آن آگاه گردند. چه باید کرد؟ تدوین کتابشناسی نقد کتابهای تاریخی راه چاره و نیاز پژوهشگران ماست. این کار همتی می‌طلبد و کاری است ارزشمند و ماندگار. در آن صورت با در اختیار داشتن آن حداقل می‌توان دریافت که درباره فلان کتاب تاریخی مطلبی نوشته شده است یا خیر. تدوین کتابشناسی نقد کتابهای تاریخی می‌تواند برای اهل پژوهش بسیار کارآمد باشد.

مسعود جوادیان

نقد کتاب گرچه در کشور ما به صورت یک سنت علمی درنیامده، با این حال در چند دهه اخیر کم و بیش رواج داشته است. در سالهای قبل از انقلاب نشریاتی نظیر راهنمای کتاب، سخن، یغما، هنر و مردم در هر شماره خود بخشی را به نقد کتاب اختصاص می‌دادند. بویژه مجله راهنمای کتاب، حاوی مقالات ارزنده‌ای از اهل قلم و اندیشه بود که در آن، کتابهای تازه در حوزه تاریخ را مورد ارزیابی قرر می‌دادند.

در سالهای اخیر این روند کم و بیش جریان داشته است. نشریاتی نظیر نشر دانش، کیهان فرهنگی، کلک و ... بدین مهم پرداخته‌اند. به نظر نمی‌رسد نیازی به یادآوری ضرورت نقد کتاب باشد. نکته مهم این است که در کشور ما با این که نقادان همواره ملاحظه نویسنده و صاحب اثر را دارند، این

کور نماید. ۱۵.  
در مجموع می‌توان کتاب «کریم خان زند» را با همه کمی و کاستی‌هایش یکی از جامع‌ترین تألیفات در تاریخ زندیه بشمار آورد که مباحثی جدید و اساسی را پیش روی محققان این دوره قرار می‌دهد.

### پی‌نوئیس‌ها:

• John R. Perry, Karim Khan Zand, The University of Chicago Press, 1979.

جان ر. پری. کریم خان زند، ترجمه علی محمد ساکی، تهران، فراز، ۱۳۶۵، شانزده + ۲۸۰ ص.

۱- پری، ص. سیزده

۲- این کتاب ویژه نوجوانان می‌باشد.

۳- پری، ص. سیزده

۴- بطور مثال در مورد نسبت نظر علیخان و اسمعیل خان فیلی در صفحه ۱۶۶ و یا ارتباط و خویشی لطفعلیخان و کریم خان در صفحه ۲۱۴.

۵- در ترجمه فارسی در صفحه فهرست مطالب به اشتباه ۴۷-۱۷۳۶ م. درج شده است.

۶- پری، ص. ۳۰۷.

۷- همان.

۸- همان، ص. ۳۰۸.

۹- همان.

۱۰- همان.

۱۱- همان، ص. ۳۰۹.

۱۲- همان، پاورقی، ص. ۱۵۵.

۱۳- ابوالحسن گلستانه، مجمل التواریخ، صص ۳۳۰-۳۱

۱۴- محمد صادق نامی، تاریخ گیتی گشا، صص ۱۱۱-۱۲

۱۵- پری، صص ۵-۱۵۴.